



درس فایده فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ دی ۱۳۹۲
مصادف با: ۴ ربیع الاول ۱۴۳۵
جلسه: ۴۹

موضوع کلی: اخبار تحلیل خمس
موضوع جزئی: طائفه اول
سال چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه مباحث گذشته:

عرض کردیم در روایات مربوط به خمس و انفال اخباری وجود دارد که به نام اخبار تحلیل و اباحه شهرت پیدا کرده؛ این روایات مستند حکم به عدم وجوب اخراج خمس برای بعضی واقع شده و از آنجا که این اخبار در مواضع مختلف مورد استناد قرار می‌گیرد عرض کردیم اینجا لازم است از دلالت این اخبار بحث کنیم و بعد وارد بحث خودمان در مباحث خمس شدیم. عرض کردیم اخبار تحلیل به اعتبارات مختلف قابل تقسیم به طوائف مختلف است اما ما بر یک اساسی یک دسته بندی انجام دادیم که بیان خواهیم کرد.

طائفه اول:

در این طائفه سه قسم روایات وجود دارد:

قسم اول: تحلیل خمس همراه با تعلیل

قسم اول از این اخبار آن است که در آن برای تحلیل خمس تعلیل آورده شده یعنی هم تحلیل خمس و هم علت آن ذکر شده است؛ در این طائفه چند روایت قابل ذکر است:

روایت اول:

«وَعَنْهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ عَنْ ضُرَيْسِ الْكُنَاسِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَتَدْرِي مِنْ أَيْنَ دَخَلَ عَلَى النَّاسِ الزُّنَا فَقُلْتُ لَا أَدْرِي فَقَالَ مِنْ قَبْلِ خُمْسِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ - إِلَّا لِشِيعَتِنَا الْأَطْيَبِينَ فَإِنَّهُ مُحَلَّلٌ لَهُمْ وَلِمِيعَادِهِمْ.»

امام (ع) از این شخص سؤال فرمودند که آیا می‌دانی زنا به زندگی مردم وارد می‌شود و چگونه می‌شود زنا داخل در زندگی مردم می‌شود؟ آن شخص عرض کرد که نمی‌دانم امام می‌فرماید: از قبل خمس ما اهل بیت لکن می‌فرماید شیعیان ما کأنّ زنا بر آنها از این جهت داخل نمی‌شود اما بر غیر شیعیان زنا از این جهت داخل می‌شود چون خمس ما را پرداخت نمی‌کنند و کأنّ نسبت به اینکه با خمس ما زندگی می‌کنند و از مال غیر طاهر استفاده می‌کنند راضی نیستیم و این موجب می‌شود فرزندان که از این راه بدست می‌آید کأنّ فرزندان نامشروع باشد اما در مورد شیعیان این چنین نیست؛ برای شیعیان و فرزندانشان خمس حلال شده لذا زنا در زندگی شیعیان داخل نمی‌شود.

۱. تهذیب، ج ۴، ص ۱۳۶، حدیث ۳۸۳؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۴۴، باب ۴ از ابواب الانفال، حدیث ۳؛ کافی، ج ۱، ص ۴۵۹، حدیث ۱۶ / وَ رَوَاهُ الْكَلْبِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ضُرَيْسِ مِثْلَهُ.

پس اینکه عرض می‌کنیم در اینجا تعلیل ذکر شده یعنی کأنّ علت تحلیل خمس برای شیعیان این است که زنا بر آنها داخل نشود اینکه زندگی آنها، زندگی پاک و پاکیزه باشد فرزندان آنها فرزندان طیب و طاهر باشند.

روایت دوم:

«وَعَنْهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ صَبَّاحِ الْأَزْرَقِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع) قَالَ: إِنَّ أَشَدَّ مَا فِيهِ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ الْخُمْسِ فَيَقُولَ يَا رَبِّ خُمُسِي وَ قَدْ طَيَّبْنَا (حللنا) ذَلِكَ لِشِيعَتِنَا لِطَيِّبٍ وَلَادَتُهُمْ وَ لَتَزُكُوا أَوْلَادَهُ»^۱

در کافی هم این روایت از طریق دیگری نقل شده است «وَرَوَاهُ الْكَلْبِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ وَ رَوَاهُ الْمُفِيدُ فِي الْمُقْنَعَةِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ الَّذِي قَبْلَهُ عَنْ سَالِمِ بْنِ مُكْرَمٍ وَ الَّذِي قَبْلَهُمَا عَنْ ضَرِيْسٍ وَ الْأَوَّلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ مِثْلَهُ»^۲ در این نقل به جای اولادهم "ولادتهم" دارد.

مرحوم شیخ مفید همین روایت را در مقنعه^۳ هم ذکر کرده لکن از طریق محمد بن مسلم مثل آنچه در تهذیب و استبصار آمده است.

بر اساس این روایت امام(ع) فرموده‌اند: سخت‌ترین چیزی که روز قیامت مردم در آن قرار می‌گیرند این است که صاحب خمس سراغ حق خودش را می‌گیرد یعنی مطالبه می‌کند حقوقی را که این مردم ادا نکرده‌اند لکن در مورد شیعیان می‌فرماید ما این را برای شیعیان حلال کردیم؛ اینجا علت ذکر شده چون برای اینکه نسل شیعیان و فرزندان آنها پاک و طاهر باشند. معلوم است اگر نطفه‌ای با مال حرام منعقد شود و نسلی به وسیله مال حرام تکثیر شود این فرزندان پاک و طاهر نیستند لذا علت اینکه خمس را حلال کرده‌اند برای تزکیه و تطهیر فرزندان شیعیان است.

روایت سوم:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعِلَلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الصَّقَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) حَلَّلَهُمْ مِنَ الْخُمْسِ يَعْنِي الشَّيْعَةَ لِطَيِّبٍ مَوْلَدُهُمْ»^۴

اینجا هم امام باقر (ع) از قول امیرالمؤمنین می‌فرماید که خمس را برای آنها مباح و حلال کرد و علت این تحلیل «لیطیب مولدهم» ذکر شده است؛ در همه این روایات علت تحلیل طیب مولد ذکر شده است.

روایت چهارم:

«وَفِي كِتَابِ إِكْمَالِ الدِّينِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِصَامِ الْكَلْبِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنَ التَّوْفِيعَاتِ بِخَطِّ صَاحِبِ الزَّمَانِ ع أَمَا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الْمُتَكْرِبِينَ لِي إِلَى أَنْ قَالَ وَ أَمَا الْمُتَلَبِّسُونَ بِأَمْوَالِنَا فَمَنْ اسْتَحَلَّ مِنْهَا شَيْئًا فَآكَلَهُ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ النَّيْرَانَ وَ أَمَا الْخُمْسُ فَقَدْ أُبِيحَ لِشِيعَتِنَا وَ جُعِلُوا مِنْهُ فِي حِلٍّ إِلَى أَنْ يَظْهَرَ أَمْرُنَا لِطَيِّبٍ وَلَادَتُهُمْ وَ لَا تَخْبَثُ»^۵

۱. تهذیب، ج ۴، ص ۱۳۶، حدیث ۳۸۲؛ استبصار، ج ۲، ص ۵۷، حدیث ۱۸۷؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۴۵، باب ۴ از ابواب الانفال، حدیث ۵.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۵۹، حدیث ۲۰.

۳. المقنعه، ص ۴۵.

۴. علل الشرايع، ص ۳۷۷، حدیث ۱؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۵۰، باب ۴ ابواب الانفال، حدیث ۱۵.

۵. اكمال الدين، ص ۴۸۵؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۵۰، باب ۴ از ابواب الانفال، حدیث ۱۶.

اما کسانی که اموال ما حلال کرده‌اند برای خودشان و اموال ما در اختیارشان است همانا آنها آتش می‌خورند. این شامل مجموعه اموال و اعم از خمس و غیر آن است و در ادامه می‌فرماید: که خمس برای شیعیان ما مباح شده یا من آنها را برای شیعیان حلال می‌کنم تا زمانی که امر ما آشکار شود. علتی هم که برای تعلیل خمس ذکر شده مثل سه روایت قبلی طیب الولادة است و اینکه نسل شیعیان گرفتار خباثت نشود.

روایت پنجم:

الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيُّ ع فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) قَدْ عَلِمْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدَكَ مُلْكٌ عَضُوضٌ^۱ وَ جَبْرٌ فَيَسْتَوْلِي عَلَى خُمْسِي (مِنَ السَّبْيِ) وَ الْغَنَائِمِ وَ يَبِيعُونَهُ فَلَا يَحِلُّ لِمُشْتَرِيهِ لِأَنَّ نَصِيْبِي فِيهِ فَقَدْ وَهَبْتُ نَصِيْبِي مِنْهُ لِكُلِّ مَنْ مَلَكَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ مِنْ شِيعَتِي لِتَحِلَّ لَهُمْ مَنَافِعُهُمْ مِنْ مَأْكَلٍ وَ مَشْرَبٍ وَ لِتَطْيِبَ مَوَالِيدُهُمْ وَ لَا يَكُونُ أَوْلَادُهُمْ أَوْلَادًا حَرَامًا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَا تَصَدَّقَ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْ صَدَقَتِكَ وَ قَدْ تَبِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ فِي فِعْلِكَ أَحَلَّ الشَّيْءَةَ كُلَّ مَا كَانَ فِيهِ مِنْ غَنِيْمَةٍ وَ يَبِيعُ مِنْ نَصِيْبِهِ عَلَى وَاحِدٍ مِنْ شِيعَتِي وَ لَا أَحِلُّهَا أَنَا وَ لَا أَنْتَ لِغَيْرِهِمْ.^۲

می‌فرماید: آن مُلک می‌آید و بر خمس من از غنائم استیلاء پیدا می‌کند و آن را می‌فروشد و این برای کسی که این را می‌خرد حلال نیست چون سهم و نصیب من در آن مال است اما من سهم خودم را به شیعیانم حلال می‌کنم و آنچه آنها می‌خرند برای آنها حلال است تا منافع آن برای آنها حلال باشد چون باید موالید آنها پاک و طاهر باشد و اولادشان حرام نباشد. (طیب المولد و طهارة الاولاد هم می‌تواند به آن جواری بخورد یا مانند اموالی که با آن زندگی می‌کنند و نطفه با این مال حرام منعقد می‌شود). ذیل کلام حضرت علی (ع) پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: هیچ کس تا به حال بالاتر و افضل از صدقه تو صدقه نداده است و در این مسیر از رسول خدا (ص) تبعیت کردی.

این پنج روایت در واقع متضمن تحلیل خمس برای شیعیان به همراه ذکر علت تحلیل خمس است یعنی این حکم معلل شده به این عللی که ذکر کردیم که بعضی ظهور بیشتری دارد در این تعلیل و بعضی کمتر. در اینجا هیچ قیدی ذکر نشده فقط در این روایت چهارم الی ان يظهر امرنا» را بیان کرده بودند یعنی زمان ظهور حضرت (ع) که این یک قید و غایت زمانی برای حلیت که آن هم زمان حضور حضرت (ع) می‌باشد.

قسم دوم: تحلیل حق ائمه (ع) همراه با تعلیل

روایاتی است که در آنها همین علت برای تحلیل حق ائمه (ع) ذکر شده یعنی خصوص خمس تحلیل نشده بلکه اعم از خمس و غیر آن مطرح شده و علت آن هم همین علت است؛ پس فرق قسم دوم با قسم اول فقط در این است که در قسم اول خمس حلال شده و علت تحلیل هم بیان شده ولی در قسم دوم خصوص خمس تحلیل نشده بلکه حق اهل بیت (ع) تحلیل شده که این حق شامل خمس هم می‌شود.

۱. ملک عضوض - الذی فیہ عسف و ظلم (النهاية ۳- ۲۵۳).

۲. تفسیر منسوب الإمام العسکری (ع)، ص ۸۶ و ۸۷؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۵۲، باب ۴ از ابواب الانفال، حدیث ۲۰.

روایت اول:

«عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي عُمَارَةَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنْ لَنَا أَمْوَالًا مِنْ غَلَّتِ وَتِجَارَاتٍ وَنَحْوِ ذَلِكَ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ لَكَ فِيهَا حَقًّا قَالَ فَلِمَ أَحَلَلْنَا إِذَا لَشِيعَتِنَا إِلَّا لِطَيْبٍ وَلِدَاتُهُمْ وَ كُلُّ مَنْ وَالَى آبَائِي فَهُوَ فِي حِلٍّ مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ مِنْ حَقِّنَا فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ»^۱

حارث بن مغیره می گوید که من به امام صادق (ع) عرض کردم که ما یک اموالی داریم از غلات و تجارات و امثال اینها و من می دانم که شما یک حقی در اینها دارید کآن دارد سؤال می کند از اموالی که نزد ماست و اهل بیت در آنها حقی دارند نسبت به این اموال چه باید کرد؟ امام می فرماید: که برای شیعیان ما حلال نیست مگر برای تزکیه و طیب مولد و نسل.

در این روایت هم وقتی سائل سؤال می کند از اموالی که نزد اوست و مال اوست اما حقی در آن اموال برای اهل بیت (ع) وجود دارد امام می فرماید: ما این را برای شیعیانمان حلال نکردیم مگر برای طیب ولادتشان و هر کسی که آباء من را و پدران من را دوست دارد یعنی هر کسی که در تحت ولایت پدران من قرار دارد همه نسبت به آنچه که در دست آنهاست از حقوق ما، آزاد هستند و برای آنها حلال و مباح می باشد و در انتها هم می فرماید: کسانی که حاضرند به غائبین هم این مطلب را برسانند.

روایت دوم:

«وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ عَنِ الْفُضَيْلِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَنْ وَجَدَ بَرْدَ حُبْنًا فِي كَبِدِهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى أَوَّلِ النَّعْمِ قَالَ قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا أَوَّلُ النَّعْمِ قَالَ طَيْبُ الْوِلَادَةِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) - قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) لِفَاطِمَةَ (ع) - أَحَلِّي نَصِيبَكَ مِنَ الْفَيْءِ لِآبَاءِ شِيعَتِنَا لِيُطِيبُوا ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنَّا أَحَلَلْنَا أُمَّهَاتِ شِيعَتِنَا لِآبَائِهِمْ لِيُطِيبُوا»^۲

اینجا هم امام صادق (ع) می فرماید: کسی که محبت ما را در قلب خودش حس می کند خداوند تبارک و تعالی را بر بالاترین و اولین نعمت ها حمد کند؛ روای می گوید من سؤال کردم اول نعم چیست؟ امام فرمود: طیب الولادة بعد در ادامه امام صادق (ع) از امیر المؤمنین (ع) نقل می کند که به حضرت زهرا (س) فرمود نصیب خودت از فیه را برای پدران شیعیان ما حلال کن تا نسلشان پاک شود؛ بعد امام صادق (ع) فرمود ما هم حلال کردیم مادران شیعیانمان را برای آباءشان یعنی در واقع سخن از حق است و حرفی از خمس نیست (بحث تحلیل فیه است) و تعلیل می آورد برای تحلیل حق که طیب الولادة است.

بحث جلسه آینده: چند روایت دیگر هم هست که در حقیقت ظهور در تعلیل برای تحلیل حق اهل بیت ندارد اما مشعر به این معناست که در واقع ملحق به همین قسم دوم می باشد و إنشاء الله در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»

۱. فی المصدر فهم.

۲. تهذیب، ج ۴، ص ۱۴۳، حدیث ۳۹۹؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۴۷، باب ۴ از ابواب الانفال، حدیث ۹.

۳. تهذیب، ج ۴، ص ۱۴۳، حدیث ۴۰۱؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۴۷، باب ۴ از ابواب الانفال، حدیث ۱۰.